



<http://www.arianafghanistan.com>

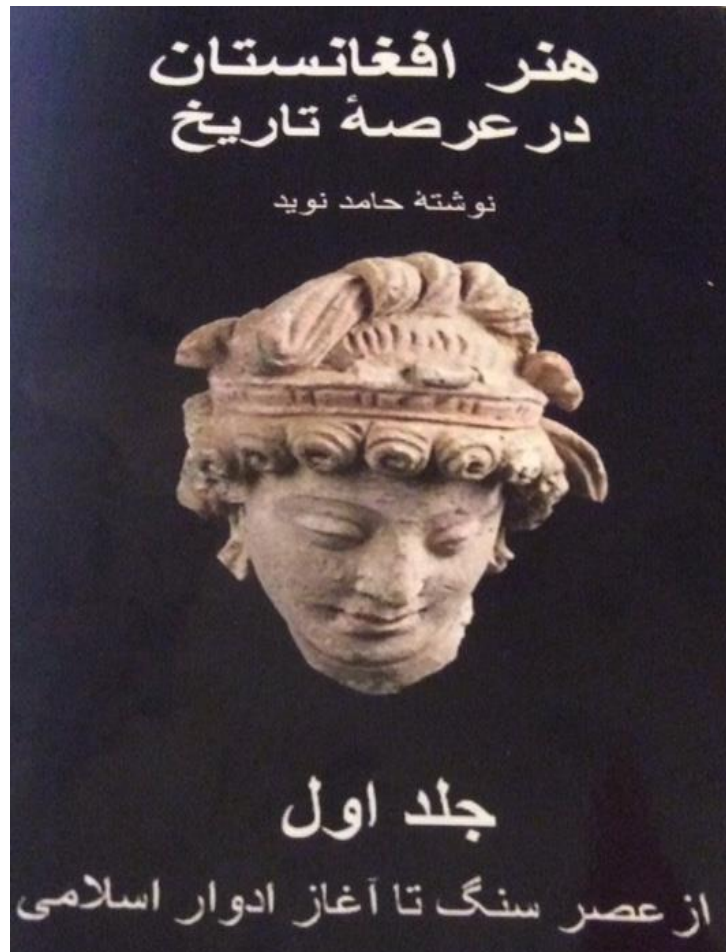


۲۰۱۸/۱۱/۲۱

ملالی موسی نظام

هنر افغانستان در عرصه تاریخ

آئینه روشنی از هزاره های هنر کهن در سرزمین باستانی ما



مقدمه:

چند سال قبل وقتی برای اولین بار نمایش آثار ارزشمند نهایت کهن و قدیمی کشور باستانی ام را تحت عنوان «گنجینه باختر» در موزیم «گیومه» پاریس مشاهده نمودم، از بهت و حیرت گیج شده بودم. گرچه قبلاً کتابی را

که در زمینه در روسیه نشر شده بود و عکس ها و تشریحات این گنجینه بینظیر در آن وضاحت کافی داشت، بدست داشتم که گویا در سرک های کابل به نحوی در اختیار دستفروشان قرار گرفته بود؛ ولی دیدن و مطالعه



تاج طلای شاهدخت آریایی جزئی از گنجینه باختر – طلا تپه

واقعی چنان آثار حیرت انگیز مجلل که اکثراً از طلای خالص، شیشه و عاج در قرون قبل از اسلام با ظرافت و هنرمندی محیر العقولی ساخته شده بود، تأثیر دیگری داشت. این گنجینه درخشان که هنر و حتی تأریخ صدهای متوالی را بیان مینمود، از موجودیت اعصار معتبر و مدنیت های شگوفایی که یکی به دنبال دیگری این قسمت جامعه بشری هزاران سال قبل را احتواء مینمود، خبر میداد.

بعد ها با عطش سیری ناپذیری که دیدار و مطالعه این آثار گرانبهای وطن خودم خلق مینمود، تصادفاً در «برتش میوزیم» لندن موفق به مطالعه و بررسی بیشتر آنها گردیدم که با قدرمندی و ترتیبات فوق العاده ای هر قسمتی از «گنجینه بینظیر باختر» را علیحده تزئین و تشریح نموده بودند، طوریکه تاج گرانبهای طلا بر سر تصویر یک شاه دخت کوشانی که در داخل یک آرامگاه شیشه ای قرار داشت، گذاشته شده بود. به همین صورت زمانیکه آثار برای نمایش به واشنگتن رسید، باز هم با دوستان به دیدار آن در موزیمی که به نمایش گذاشته بودند، رفتیم که تر تیباتشان نسبت به لندن، قدری سر در گم و زیاد جالب نبود.

باوجود چور و چپاول های لجام گسیخته قاجابران و تخریب دد منشان آثار هنری افغانستان، خوشبختانه «گنجینه بینظیر باختر» که به همت جمعی افغان شریف و وطن پرست در زیر خانه های ارگ از انظار مخفی گردید، تا آغاز قرن موجوده محافظت گردید که جزئی از دارایی های موزیم ملی کابل محسوب میگردد.

در دهه شصت و هفتاد میلادی، زمانیکه در مادر وطن صلح و سلم برقرار بود، دوست خردمند و یگانه محقق آثار عتیق که درین رشته با تعلیمات عالی از ایتالیه برگشته بود، دایم در فصل زمستان ما را به منطقه حفريات هده در شهر جلال آباد دعوت مینمود که از آثار بینظیر و نهایت دیدنی ای که خود با آگاهی، امانت داری، وسواس و مهارت زیاد از زیر خاک در می آورد، دیدن نماییم. این انسان متواضع، باکفایت و با شخصیت عالی و علمیت بسیار، مرحوم داکتر شاهی بای مستندی بود که خداوند روح پاک و گرانمایه اش را بیامرزد.

در آن زمان آثار بیمثال و گرانبهای هده آنقدر خاص، متنوع و دیدنی بودند که نمیشد مشابهنی یا ارزشی برای آن تخمین نمود. هرگاه بعد از سپری شدن زمان به ساحه حفريات ميرفتيم، با نقش و نگار های بيمانند ديگری روبرو ميشديم و انگشت حيرت به دندان می برديم، مخصوصاً آنچه را بر روی دیوار ها مشاهده ميکرديم، بيرنگ و رنگه همه شهکار هایی بودند از تمدن منطقه در هزاران سال قبل.

در یک قسمت که در سطح پایین تر قرار داشت گروهی از عساکر در حال نظم و به حالت ايستاده قرار داشتند که امروز در بسیاری آثار هنری چین و ممالک مشابه آن به مشاهده ميرسد. مجسمه بينظير بودا در حال صعود و نشسته بر گلهاي نیلوفر، آنقدر بی عیب و متناسب بود که انسان از آنهمه مهارت هنرمند و زیبایی خود مجسمه به حيرت ميرفت. ولی افسوس که آن گنجينه های بی مثال که از تأريخ غنی هزاره های با شکوه باستانی سرزمين ما نمایندگی میکرد، با ددمنشی تنظيم های وابسته به پاکستان و تعصبات پوشالی تخریب کاران بی احساس به خاک يکسان گردید. از این گنجينه تمدن بشری دیگر آثاری نمی بينيم.

امروز که اکثریت آن آثار بی بدیل و اکثر آنچه در سراسر افغانستان موجود بوده اند، به نحوی یا پامال جفا و عقب گرایی خود اولیای امور دهه های اخير قرن گذشته گردیده، یا با سرقت و نقل هزاران اثر بی همتا به خارج طعمه مافیای آثار عتيقه شده است. با آنهم این سرزمینی که هر گوشه آن در طول اعصار از مدنيت های کهن خاطره های بی پایان دارد، گنجينه های بيشماری هم در لابلای کوه پایه ها مانند عینک و یا سرخ کوتل را صاحب است و یا در موزيم های مانند لندن و فرانسه و امريکا هنوز هم نمونه هایی از مدنيت بينظير این منطقه عالم ميردخشد.

معرفی کتاب ارزشمند هنر افغانستان در عرصه تأريخ:

يقين است که خوانندگان ما از نشر کتاب نهايت آموزنده وبا ارزش جلد اول «هنر افغانستان در عرصه تأريخ» به زبان دری اثر دانشمند و محقق ورزیده افغان محترم حامد نوید، آگاهی یافته اند چونکه نه تنها از فيس بوك ايشان راپور مفصلی در زمینه منتشر نمودند، بلکه آريانا افغانستان آنلاين هم با تفصيل از چنين اثر برگزيده ای که آثار بينظير سرزمين باستانی ما را از قديمترين اعصار تمدن بشری که دوره سنگ باشد، تا آغاز مدنيت های دوره اسلامی در معرض دید خوانندگان قرار ميدهد، مژده داده است.

خوشبختانه با دسترسی به این کتاب آموزنده به السنه انگلیسی و دری که با تصاویر و تشریحات عالی تنظيم و ترتيب گشته است، زمینه مطالعه و شناسایی را برای نسلهای افغان که به دری و انگلیسی دسترسی دارند فراهم میسازد و طوریکه از نویسنده آن محترم حامد نوید شنیدم که کار ترجمه پشتوی آن به همت یکی از هموطنان خبره آغاز گردیده است.

به تأريخ اول ماه نوامير محفل در مرکز افغان اکادمی در شهر الکساندریه ایالت ورجینیا برای معرفی و امضای نسخه دری «هنر افغانستان در عرصه تأريخ» ترتيب یافته بود که در آن عده ای از همشهریان افغان در منطقه و اشنگتن اشتراک نموده بودند. درین مجلس فرهنگی، خلاصه کتاب با تصاویر آشکارا و با تشریحات و توضیحات کافی ذریعه خود نویسنده بیان گردید و سؤالاتی در زمینه بصورت عالمانه و عام فهم پاسخ داده شد.

آنچه را بینندگان و مدوعین ذریعه ویدیو مشاهده مینمودند، در حالیکه باعث اعجاب و افتخار میگردید، اکثراً زمینه تأثر و افسوس را هم فراهم مینمود چونکه اکثریت آن گنجینه های هنر اصیل کشور، مخصوصاً آنانیکه نصب جایگاه هایی بودند که مظهر تمدن های بشری درین سرزمین کهن شمرده میشدند، در دهه های اخیر نابود گردیده بودند. طور مثال آثار گرانبهای هده یکی از غنی ترین مرکز تمدن عصر خود، در حالیکه قرن های متوالی در دل خاک حفظ گردید، در اواخر قرن بیستم و بین سال های ۱۹۹۲ - ۱۹۹۶ تخریب و پامال جفای خود فروختگانی گردید که از افغانیت و شرافت بویی نبرده بودند.

درین مبحث از همه آثار بی همتای هده جلال آباد که درین کتاب ارزشمند در پهلوی دیگر آثار قیمندار عهد عتیق افغانستان معرفی گردیده است، صرف به نمونه های مختصری قناعت می نماییم:

نمونه اول - مثال هایی از هده جلال آباد:

"ستوپه ها:

ستوپه Stupa در لغت برگرفته شده از کلمه توپه به معنی بلندی در زبان باستانی سانسکریت است. برخی از زبانشناسان عقیده دارند که کلمه تپه در زبان دری از همین ریشه آمده و به مرور زمان شکل تلفظی و نوشتاری کنونی را بخود گرفته است.

بهر صورت در مورد ستوپه ها در معابد بودایی در مباحث قبلی صحبت به عمل آمد، ولی در مورد ستوپه های معبد هده و شاه خیلی غندی جلال آباد باید گفت که از زیبایی هنری خاصی برخوردار و در دوردور و چهارطرف این ساختمان های بلند گنبدی شکل، با پیکره های متعددی مزین است.



استوپه منحصر به فردی که در هده جلال آباد کشف و صفا کاری گردیده بود، ذریعه تنظیم های جهادی ویران گردید

ستوپه های معبد هده با طرح خاصی ایجاد گردیده بودند که به تدریج از قاعده تا رأس در چند طبقه کوچکتر شده و به گنبد نسبتاً بزرگی منتهی میگردیدند. هر طبقه با پیکره های ظریف و زیبایی تزئین می یافت که داستانهای زندگی و کارنامه های بودا را شرح میداد.

هنوز نمونه هایی از ستوپه های معبد هده که سنگ به سنگ و خشت به خشت به فرانسه انتقال یافته در موزیم گیومه پاریس بنام افغانستان در معرض نمایش قرار دارد. البته این انتقال به اساس قراردادی صورت گرفت که میان دولت افغانستان و فرانسه وجود داشت و هیأت باستانشناسان فرانسوی (DAFA) به اساس این قرارداد پس از سال ۱۹۲۲ در افغانستان به کار آغاز کردند. بزرگترین و شکوهمند ترین ستوپه معبد هده تا دهه هشتاد یعنی سرآغاز دوره جنگ ویربادی افغانستان در جلال آباد و جود داشت که در حقیقت خود، موزیم غیر منقولی بود و نمایانگر هنر و عقاید مذهبی آن زمان بشمار میرفت. در چهار طرف این ستوپه بزرگ رواقها و اتاقهای نیایش متعددی به چشم میخورد که همه با زیباترین، مجسمه ها و سرستونی ها مزین بودند.

در دهه هفتاد عده ای از متفکرین افغانستان به انتقال آثار هنری به خارج از کشور موافق نبودند که در آنوقت این مفکوره نظر مثبت و صائبی تلقی میگردید، اما متأسفانه پس از ویرانی کامل معبد هده ستوپه ها ی موجود در موزیم گیومه پاریس یگانه مثالهای اند که مارا به طرز کار هنرمندان، مهندسین و طراحان آندوره آشنایی می بخشد.

آنچه در مورد مجسمه های معبد هده بسیار دلچسپ است، موجودیت پورتريت های اقوام قدیم سرزمین آریانا با چهره های گوناگون آنهاست. بطور مثال سبک آریایش موکلاهای خاص زنان هر منطقه و شکل کلاه ها و طرز پیرایش سرو ریش مردان هر قوم و قبیله آریانا با دقت خاصی ایجاد گردیده که از اناتومی دقیق و زیبایی ریالستیک خاصی بر خوردارند.



پورتريتهای کشف شده از معبد هده که در آن چهره های تمام اقوام کنونی افغانستان مشاهده شده میتواند

این پورتريت ها كه شمایل مردمان صاحب نفوذ و مخلصين عبادتگاه را تمثيل مிடارند، در حقيقت معرف باشندگان واقوام قديم افغانستان بوده و از نگاه جامعه شناسی تاریخی دارای اهمیت فراوانی میباشد. درین مجموعه باشندگان قديم آريانا مانند ساكه ها، پكتها، پارتهاى باختر، بادغيس و هرات، باشندگان پيشين كابل و كاپيسا، ايغورها، ساكنين افغانستان مركزى و تورانيان (تورك ها) به نكوبى تبارز يافته است. از جانب ديگر پيكره هاى معبد هده جلال آباد مابين اين حقيقت است كه شيوه زندگى و طرز لباس پوشيدن مردمان قديم آريانا از البسه پارسيان و باشندگان خطه پهناور هند تفاوتهاى كلى دارد. يعنى اصالتهاى فرهنگى مدنيت خاصى را تمثيل مிடارد.

اين مدنيت فرهيخته طورى كه از آثار هنرى آن پيدااست عنعنات و رسوم مختص بخود را داشته و برخلاف آنچه عده از خاورشناسان ادعا دارند امتداد فرهنگ فارس و ياهند نيست. استنادى راكه مؤرخينى چون جوزف ماركوارت Joseph Marquart آلمانى يكي از بنيانگزاران مفكوره " ايران بزرگ" و ريچارد فرای Richard Fry محقق امريكايى مبلغ اين اصطلاح مدار اعتبار قرار ميدهند همانا حمله شاهپور ساسانى بر قلمرو شاهان كوشانى در قرن سوم ميلادىست، اما از نگاه تاريخ تمدن بشر حركات بازقيني چيز ديگرى و خصايل فرهنگى يك حوزه مدنى چيز ديگرىست. درست است كه به دليل انباشته شدن ثروت هنگفت مالى در قلمرو كوشانيان و به خصوص غنامندى معابد بودايى ايندوره باعث آن شد تا ساحه تحت فرمان كوشانى ها ها مورد حملات پيهم



معبد هده، مجسمه دیواتا قرن دوم میلادی، موزیم گیومه پاریس

بخصوص غنامندى معابد بودايى ايندوره باعث آن شد تا ساحه تحت فرمان كوشانى ها مورد حملات پيهم شاهان ساسانى فارس قرار گرفته و سبب بروز جنگهاى مدهشى بين طرفين گردد، اما آنچه از نگاه تاريخ تمدن و فرهنگ اهميت دارد، بيان اين است كه آثار هنرى عصر كوشانى افغانستان كوچكترين شباهتى از نگاه شكل و محتوى با آثار هنرى قرن دوم و سوم ميلادى فارس ندارد. بطور مثال مجسمه ديواتا Devata كه از زيبايى خاصى برخوردار بوده و از معبد هده واقع در جلال آباد كشف گرديده دارای خصوصيات هنرى بسيار متمايز از پيكره

های ممالک همجوار مربوط عین دوره تاریخی میباشد. این اثر ناب دارای زیبایی هاست که بیننده را به شگفتی وامیدارد. حلقه های گیسوان آراسته و فیتته موی ایکه در بالای آن با ظرافت خاصی ایجاد شده معرف شیوه زندگی پیشرفته و طرز آرایش زنان آنزمان است. ازجانب دیگر این پیکره ظریف ژرفای عواطف و اندیشه های انسانی را با نکو ترین وجهی تبارزمیدهد. نگاه خاموش زن جوان که به عقیده برخی از هنرشناسان مظهر دیواتا Devata الهه جنگل و چشمه ساران است با طنازی به پائین مینگرد. از نگاه ساختار هنری ترکیب این مجسمه نهایت زیباست. تبسم مرموزی که بر لبان زن جوان نقش بسته ، بیننده را بیاد نقاشی های دوره رنسانس اروپا ، بخصوص **لېخنډرکوند،** یا **مونالیزا** اثر جودان لیوناردو داوینچی می اندازد ، زیرا دارای عین زیبایی های هنریست، اما این اثر ممتاز حد اقل ۱۲ قرن پیش از آثار هنری دوره رنسانس اروپا ایجاد گردیده است. متأسفانه بنا بر عدم موجودیت اسناد کتبی ما نمیدانیم که نام این نوابغ روزگار چه بوده است ؟ گرچه اسمای این هنرمندان بزرگ که پیش و کم ۱۸۰۰ سال پیش در ننگرار قدیم میزیسته و آثاری به سطح آفریده های هنری لیوناردو داوینچی ، رافائل و میکل آنژ ایجاد کرده اند درحافظه تاریخ باقی نمانده، اما نظربه موجودیت آثار هنری فراوانی که از ساحه ننگرهار تا کاپیسا، و از آنجا تا بامیان و بلخ بدست آمده پیداست که این عصر درحقیقت دوره شگوفایی فرهنگ و عصر رنسانس هنری در سرزمین باستانی افغانستان بوده است. بدین معنی که هنرمندان بزرگی در شهرهای مختلف آن زندگانی داشته و به ایجاد آثار نابی مشغول بوده اند.

نکته دیگری را که این پیکره ها با زبان هنر بیان میدارند ، همانا نقش مساوی زنان با مردان در جامعه افغانستان آنزمان میباشد . زیرا تعداد مساوی پیکره های زنان و مردان در معابد آن بچشم میخورد. این امر از نگاه جامعه شناسی تاریخی روشن نگری این مدنیت کهنسال را از عهد تمدن ویدی و اوستایی باختر تا دوره کوشانی بازگو مینماید. چنانچه نمونه های پیکره های شهزاده خانمهای باختری که در بخش هنر عصر اوستایی بلخ در فصل های گذشته بررسی گردید مبین این حقیقت میباشد".

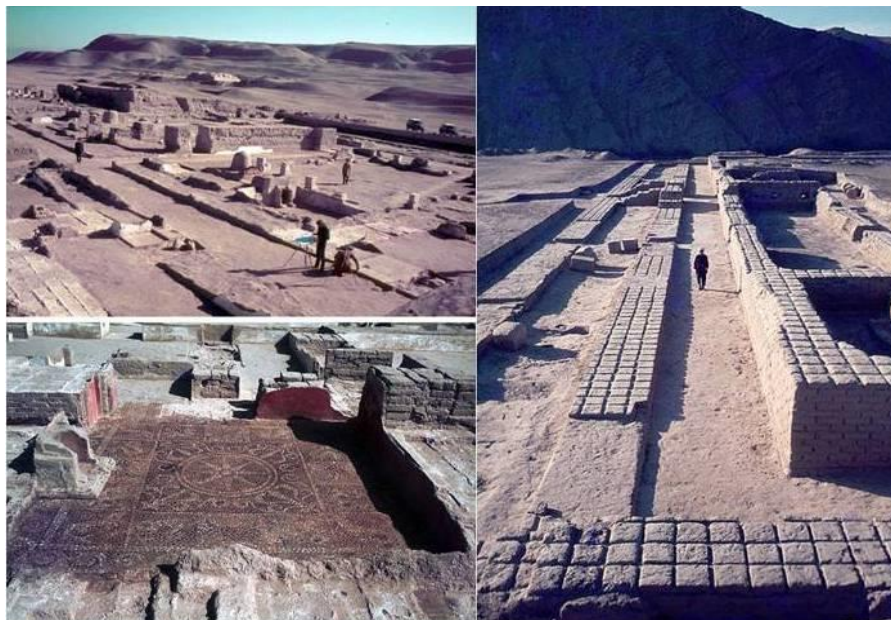
طوریکه در مثال های بالا مشاهده فرمودید، محترم آقای حامد نوید نه تنها در روشنی اندازی بر هنر های بیمثال سرزمین ما و معرفی آثاری که شناسایی آنان وظیفه هر اولاد وطن است، راه طولانی ای را طی نموده اند، بلکه با تحقیقات جامع و مبرهن به اثبات میرسانند که نظر به خاصیت و نحوه کلتور، روش حیاتی و انگیزه های اجتماعی، چه تفاوت هایی هم هنر هر عصر افغانستان با ممالک همسایه و مخصوصاً ایران داشته است که هیچ شکی نداریم.

مثال دوم – نمونه هایی از مدنیت عالی آی خانم:

شهر تاریخی «آی خانم» که مظهر تمدن عصر دیگری از دوره های تاریخی سرزمین ما می باشد، بین دریای آمو و دریای کوچک بنا یافته بود، با اینکه موجودیت آن در مناطقی که تاریخ بیان داشته، ثابت بود ولی چون در عمق زمین با گذشت قرون ناپدید شمرده میشد، تا اینکه در عصر صلح و امنیت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، در یکی از مسافرت های ایشان به سمت شمال تصادفاً با قطعه ای گرانبها که متعلق به عصر تمدن بزرگ آن عصر بود، بر خورد میگردد و با حکم ایشان و حفاریات جدی و اساسی در آن حوالی، شهر زیبا و باشکوه «آی خانم» روگشایی میگردد.



سر ستونی زیبای کرونترین آی خانم



نمایی از شهر تاریخی آی خانم در هنگام حفاریات دهه شصت و هفتاد

همانطوری که در بالا عرض شد، متأسفانه بعد از اینکه در دهه شصت و هفتاد میلادی شهر با شکوه «آی خانم» از خاک بیرون گردید، در اعصار بعدی مورد چور و چپاول مافیای آثار عتیقه ای که بیمانند بود قرار گرفت و سرتاسر آن آثار و داشته های عهد عتیق که همه سرمایه های ملی مردم افغانستان بودند، به یغما رفت.



منظره ای از آی خانم کنونی

در پایان باید قدرمندی و تبریکات قلبی خویش را منحیث یکی از هموطنان مهاجر، به دانشمند خبره و محقق ورزیده افغان محترم حامد نوید تقدیم میدارم که انگیزه وطن پرستی و حمایت اخلاص مندانه از داشته های ارزشمند تاریخ کشورشان، با احساس عمیق مسئولیتی که در قبال نسل های افغانستان عزیز داشته اند، ایشان را وادار به چنین تحقیقات وسیع و صرف سال های متمادی کار و تلاش گسترده نموده است، تا موفق گردند، چنین اثر ارزشمندی را تقدیم فرزندان خاک پاک سرزمین خویش نمایند. البته مطالعه این کتاب چون وثیقه گران بهایی که هر پیچ و خم آن میتواند صفحات بیشتری را برای آموزش و تحقیق در زمینه تاریخ عهد عتیق افغانستان فراهم نماید، به همه وطن پرستان و افغانستان دوستان با خلوص نیت توصیه میگردد.

یار زنده صحبت باقی،

نوت: برای دریافت کتاب هنر افغانستان در عرصه تاریخ به دری و انگلیسی، لطفاً به منابع آتی مراجعه بفرمایید:

[Amazon.com/art through the ages in Afghanistan/Persian edition](https://www.amazon.com/art-through-the-ages-in-Afghanistan-Persian-edition)

برای نسخه انگلیسی بهتر است به لینک ذیل مراجعه بفرمایید:

[Authorhouse.com/art through the ages in Afghanistan](https://www.authorhouse.com/art-through-the-ages-in-Afghanistan)